

نطق مبارک دوشنبه پنجم ذی‌حجّه در منزل مبارک پاریس

رؤسای ادیان امروز گمان میکنند که دین عبارت از تقلید آباء و اجداد است لهذا هر قومی تشبّث بتقالید نموده آن را حق میدانند و این تقالید حقیقت نیست لهذا مخالف با یکدیگر است و از این سبب اختلاف و عداوت بین بشر حاصل شده زیرا همچنین گمان میکنند دین مخالف علم است و عقاید دینیّه را تفکر و تعمّقی لازم نیست و تطبیق بعقل و علم جایز نه زیرا عقل و علم مخالف دین است لهذا عقاید دینیّه باید مجرد عبارت از صرف تلقین رؤسای روحانی باشد و آنچه آنان بگویند باید معتقد شد ولو مخالف عقل و علم است و حال آنکه عقل و علم نور است دین باید مطابق عقل و علم باشد دین که مطابق عقل کلّی نباشد جهل است میگوئیم علم و جهل نور و ظلمت اگر دین ضدّ علم باشد آن جهل است پس باید دین مطابق عقل و علم باشد و این اختلافی که در بین بشر است جمیع منبعث از جهل است اگر آنها دین را تطبیق بعقل الهی و علم بکنند همه پی بحقیقت برند هیچ اختلافی نمیماند جمیع متحد و متّفق میشوند اعظم موهبت الهی برای انسان علم است و امتیاز انسان از حیوان بعقل است پس اگر عقاید دینیّه منافی علم و عقل باشد البتّه جهل است انسان آنچه میشوند باید آن را تطبیق بعقل الهی و علم کند اگر علم و عقل قبول کند آن حقّ است اما اگر بهیچوجه علم حقیقی و عقل کلّی تصدیق نکند آن جهل است ملاحظه در ملل عالم فرمائید چگونه غرق در تقالید و اوهامند یکی عبادت وهم میکند یکی خدائی در عقل خود تصوّر نماید و آن را عبادت میکند و حال آنکه آنچه در عقل گنجد آن تصوّر است یکی عبادت آفتاب میکند دیگری عبادت شجر و حجر در ازمئه قدیمه بسیاری عبادت باد میکردند عبادت دریا میکردند عبادت گیاه میکردند اینها جمیعاً تقالید است جمیعاً مخالف علم و عقل است و این اختلاف را سبب نزاع و جدال و قتال مینمودند پس انسان باید از جمیع تصوّرات و تقالید آباء و اجداد بری باشد هر چیزی را بمیزان علم و عقل باید موازنه کرد زیرا دین و عقل یکی است ابداً از هم جدا نمیشود لکن شاید عقل ضعیف ادراک نتواند آن وقت قصور از دین نیست از نقصان عقل است مثلاً طفل ممکن نیست امور کلّیه را ادراک نماید این از ضعف عقل طفل است و عقلش چون بدرجه کمال رسد ادراک کند طفل تصوّر عظمت و مرکزیت آفتاب و حرکت زمین نمیکند و این را نمیفهمد لکن چون عقلش بکمال برسد خوب ادراک میکند پس این مخالف عقل نیست ولو اینکه عقل طفل ضعیف است ادراک آن نتواند مقصد این است که بدانید خدا علم و عقل را خلق کرده تا میزان فهم باشد نباید این چنین قوهئی را که موهبت الهی است معطلّ و معوقّ بکنیم جمیع امور را باید بآن موازنه نمائیم زیرا دین را عقل ادراک میکند اگر انسان عقل نداشته باشد دین را چگونه می‌فهمد این مشهود و واضح است که عقل و علم لازم است